

نقش سازمانهای غیردولتی زیست محیطی در دستیابی به مشارکت

مردمی به منظور حفاظت از محیط زیست در ایران^(۱)

* دکتر سیدحسین بحرینی

** مهندس فرهاد امینی

کلمات کلیدی:

سازمانهای غیردولتی زیست محیطی، حفاظت محیط زیست، مشارکت، ایران

چکیده:

در این تحقیق به بررسی جایگاه سازمانهای غیردولتی زیست محیطی در ایران و نیز ارزیابی عملکرد و نقش آنها در دستیابی به مشارکت مردمی در زمینه حفاظت از محیط زیست پرداخته شده است. یافته ها نشان می دهد که این سازمانها تاکنون توان کمی در دستیابی به مشارکت مردمی در زمینه حفاظت از محیط زیست داشته اند و این خود به دلیل وجود مشکلات متعدد و اساسی است که با آن مواجهند. این سازمانها به خاطر موانع سیاسی، قانونی و حقوقی به سختی امکان پیدایش و فعالیت داشته اند. تعداد اندکی هم که توانسته اند ایجاد شوند و خود را وارد صحنه کنند به واسطه همین مشکلات و همچنین مشکلات اقتصادی و اجتماعی توانسته اند در زمینه محیط زیست چندان تأثیرگذار باشند. نوپایی این سازمانها و بی تجربگی افراد در فعالیت در اینگونه چارچوبها نیز عامل دیگری در کاهش موفقیت این سازمانها در ایران بوده است. سازمانهای غیردولتی زیست محیطی ایران برای موفقیت نیاز به بستر مناسب سیاسی، قانونی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین بهره گیری از دانش و تجربه اداره اینگونه سازمانها دارند.

(۱) این تحقیق با استفاده از اعتبارات معاونت پژوهشی دانشگاه تهران در دانشکده محیط زیست انجام شده است.

* دانشیار دانشگاه تهران، رئیس دانشکده محیط زیست

** دانش آموزخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران

سرآغاز

مسئله محیط زیست امروزه به بحرانی جهانی و فراگیر تبدیل شده و چنانچه به صورت عملی و جدی برای رفع این معضل چاره اندیشی نشود، بشر با فاجعه عظیمی مواجه خواهد شد که حیات او را بر روی کره زمین ناممکن خواهد ساخت. دانشمندان بیش از ۲۰ تهدید جدی را برای زیست‌کره فهرست کرده اند که رشد سریع جمعیت، کاهش منابع، نابودی لایه اوزون، اثر گلخانه ای، نابودی گونه ها و انواع الودگیها از جمله مهمترین آنهاست (مخدوم، ۱۳۷۴). افزایش تصاعدی سوانح طبیعی نظیر سیل و خشکسالی نشانه ای از وخامت محیط زیست است. اگرچه هنوز در مورد شدت این وخامت توافق وجود ندارد، لیکن باید دانست که تخریب محیط، آنتروپی در کل طبیعت را به همراه دارد و این آنتروپی حتی اگر در زمان بسیار طولانی امکان به تعادل رسیدن را داشته باشد، در حال حاضر قربانیان زیادی خواهد گرفت و بزرگترین این قربانیان انسان خواهد بود. بنابراین انسان چاره ای جز چاره اندیشی و اقدام سریع ندارد.

سازمانهای دولتی و بین المللی عمده ترین مراکز مقابله با مسایل زیست محیطی هستند، لیکن با توجه به گستردگی و پیچیدگی ابعاد مسئله، توان کمی برای حل آن دارند. افزون بر این، گاهی تضاد منافع کوتاه مدتشان با مصالح زیست محیطی آنها را رودرروی محیط زیست قرار می دهد. با توجه به این واقعیتها باید به دنبال راه حلی بود که با ماهیت مشکل محیط زیست همخوانی داشته باشد. هر گونه راه حلی در این زمینه باید دارای دو ویژگی اساسی باشد: نخست، فراگیر و همه سونگر باشد و دوم، همه مردم در آن نقش و مشارکت داشته باشند.

مشارکت در امر حفاظت از محیط زیست، علاوه بر دارا بودن فواید کلی و عمومی مشارکت، به دلیل مزیت‌های ویژه خود، ضرورت می یابد. ضرورت‌های مشارکت مردمی در حفاظت از محیط زیست را می توان به صورت زیر بیان کرد: کلیه اشکال تخریب محیط زیست از فعالیتهای انسانی ناشی می شوند و منشا انسانی دارند، چه در سطح کلان - مانند ایجاد شهرکها، مجتمع های صنعتی، آزمایشهای هسته ای - و چه در سطح خرد - مانند کلیه رفتارهای نادرست مصرفی در زندگی روزمره. آگاهی مردم نسبت به مسئله محیط زیست، رفتارهای نادرست آنها را نسبت به محیط زیست اصلاح می کند و باعث می شود همین مردم وقتی به رده های بالای سیاستگزاری و اجرایی در سطح اجتماع

رسیدند، از نظر زیست محیطی سیاستهای درستی را در پیش بگیرند. همچنین در صورتی که مسئولان و دولتمردان بنا به دلایلی نخواهند سیاست درستی در مورد محیط زیست اعمال کنند، فشار افکار عمومی آنها را وادار به این کار خواهد کرد. به تحقق پیوستن این امر نیز جز در روند مشارکت واقعی مردم امکانپذیر نخواهد بود.

مسئله دیگری که مشارکت مردمی در حفاظت از محیط زیست را ضروری می سازد، ابعاد بسیار گسترده بحران محیط زیست، روابط پیچیده این بحران با عوامل انسانی و فیزیکی و همچنین فراگیر و جهانی بودن آن است. این ویژگیها مقابله با بحران محیط زیست را نیازمند به ارقام نجومی بودجه و نیروی انسانی بسیار زیاد می سازد که تأمین آن در توان هیچ دولتی نیست. بنابراین راهی جز مشارکت واقعی مردم وجود ندارد.

مشارکت مردمی از طریق ساز و کارها و ابزارهای مختلفی می تواند به وقوع به پیوندد که سازمانها و تشکلهای غیردولتی از مهمترین اینهاست. این سازمانها به عنوان بستری برای جلب و هدایت مشارکت مردمی و نیز مجرای برای نهادینه ساختن این مشارکت، سهم بزرگی در این زمینه دارند و موفقیت‌های تحسین برانگیزی که در زمینه مشارکت در حفاظت از محیط زیست تاکنون در بسیاری از نقاط جهان به دست آمده است، بیش از همه مرهون همین سازمانهای غیردولتی بوده است. واقعیت‌های گفته شده سبب شد تا طی یک تحقیق به موضوع سازمانهای غیردولتی زیست محیطی و مشارکت مردمی از طریق آنها پرداخته شود.

هدف تحقیق

اگر چه این تحقیق هدفهای جزئی زیادی داشت، لیکن می توان سه هدف کلی زیر را برای آن برشمرد:

۱. شناخت جایگاه و وضعیت سازمانهای غیردولتی زیست محیطی در ایران و همچنین نقش آنها در دستیابی به مشارکت مردمی به منظور حفاظت از محیط زیست.
۲. آرایه تعریفی از سازمانهای غیردولتی زیست محیطی ایران.
۳. آرایه پیشنهادهایی به منظور بهبود جایگاه این سازمانها و افزایش مشارکت از این راه.

روش تحقیق

با توجه به موضوع، روش توصیفی - تحلیلی برای این تحقیق انتخاب شد. یعنی ابتدا کلیه اطلاعات لازم گردآوری شده و سپس اطلاعات به دست آمده مورد تحلیل قرار گرفت. اطلاعات از راههای زیر به دست آمد:

۱. مطالعات کتابخانه ای
۲. شبکه جهانی اینترنت
۳. بانکهای اطلاعات موجود وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۴. مصاحبه
۵. پرسشنامه
۶. مشاهدات میدانی
۷. کسب اطلاعات متفرقه از سازمانهای غیردولتی مورد بررسی

مصاحبه ها با دو گروه انجام شد، گروه اول مسئولان سازمانهای غیردولتی زیست محیطی و گروه دوم مسئولانی در سازمانهای مرتبط با سازمانهای غیردولتی و نیز افراد صاحب نظر. برای مصاحبه با مسئولان سازمانهای غیردولتی از ۳۹ پرسش یکسان استفاده شد که در آنها تلاش شده بود تا به کلیه جوانب مهم حیات این سازمانها پرداخته شود. اگر چه این پرسشها مشابه بودند ولی تدابیری به کار رفتند تا ضمن حفظ چارچوب اصلی، اطلاعات اختصاصی هر سازمان از دست نرود.

برای آگاهی از نظر اعضای سازمانهای غیردولتی نیز یک پرسشنامه تهیه شد که در آن مشخصات شخصی افراد، آگاهی آنها از مسایل محیط زیست و دیدگاههای آنها نسبت به سازمانهای غیردولتی، به ویژه سازمانی که در آن عضو بودند، بررسی می شد^(۱).

همچنین فرمی تهیه شد و در آن از مسئولان تشکلهای درخواست شد یک رشته اطلاعات جنبی را در اختیار پژوهشگر قرار دهند. این اطلاعات، اطلاعات اصلی نبوده بلکه به تحلیل دقیق تر یافته های اصلی کمک کرده و بعضی زوایای پنهان را آشکار می ساختند.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق را سه گروه تشکیل می دهند:

- الف. مسئولان سازمانهای غیردولتی زیست محیطی: تعداد این سازمانها ۲۲ بود که در هشت شهر و دو روستا از هفت استان کشور قرار داشتند^(۲).
- ب. افراد مرتبط با موضوع در خارج از این سازمانها: تعداد این افراد چهار نفر بود.
- ج. اعضای سازمانهای غیردولتی زیست محیطی: طبق اطلاعات اولیه موجود تعداد کل جامعه آماری ۱۴۰۰۰ نفر برآورد شد و با استفاده از فرمول کوکران (Cokran):

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

۳۷۴ نفر به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند.

کلیات

الف. تعاریف: در اینجا واژه های کلیدی مطرح شده در عنوان این پژوهش مطرح می شوند تا در حین بحث، منظور از هر یک از آنها مشخص باشد^(۳).

- تعریف حفاظت از محیط زیست: اگر چه حمایت و حفاظت از محیط زیست در متون علمی معانی خاص خود را دارند، ولی در اینجا مفهوم علمی و تخصصی آنها مدنظر نیست، بلکه کلیه فعالیتهای بهبوددهنده مورد نظر است. بنابراین در اینجا هر دو اصطلاح تحت یک عنوان یعنی "حفاظت از محیط زیست" آورده شده و به صورت زیر تعریف می شوند: "حفاظت از محیط زیست به کلیه فعالیتهایی گفته می شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم وضع موجود محیط زیست را به گونه ای محسوس بهبود می بخشند". در واقع از نظر لغوی، در اینجا اصطلاح حفاظت بیشتر به معنی پاس داشتن - با تاکید بر حرمت نهادن و مواظبت نمودن - به کار می رود تا نگهداشتن که تعریف علمی آن است.

- تعریف مشارکت: تعاریف بسیار زیاد و گوناگونی از مشارکت وجود دارد که در اینجا به یکی از آنها اشاره می شود: "مشارکت از دیدگاه وسیع یک جنبش و یک

همچنین در این متون به ایزدانی اشاره می‌شود که هر یک نگرهبانی از یکی از عناصر طبیعی را برعهده دارند. به عنوان مثال نگرهبانی از آب، آتش، گیاه، باران و زمین هر یک به فرشته‌ای سپرده شده است و این بیانگر اهمیت فراوان و جایگاه بالای طبیعت و اجزای آن در دین زرتشت است.

پس از زرتشت نیز توجه به طبیعت در دین اسلام ادامه یافت. کتاب آسمانی و متون مذهبی اسلام گواهی بر این مدعا هستند. در قرآن کریم آیات زیادی در باره نظام خلقت، کره زمین و بخشهای مختلف طبیعت وجود دارد. همچنین توصیه‌های زیادی از پیامبر (ص) و امامان شیعه وجود دارد که هر یک به نوعی حکایت از درک طبیعت و احترام به آن دارد.

یکی دیگر از جلوه‌های طبیعت‌فهمی ایرانیان را می‌توان در باورهای مردم بومی دید. در فرهنگ این مردم حکایات، ضرب‌المثل‌ها و باورهای متعددی را می‌توان یافت که در پشت هر یک از آنها سطحی از طبیعت‌فهمی نهفته است و یا به نوعی حفاظت از جانوران و گیاهان را ترویج و تشویق می‌کند. این باورها و حکایات با قایل شدن منفعت یا تقدس بخشیدن به طبیعت و اجزای آن و ایجاد نوعی تابو از آسیب رساندن به آنها جلوگیری می‌کنند.

دانش بومی نیز یکی دیگر از جلوه‌های طبیعت‌فهمی ایرانیان است. در نظامهای سنتی بهره‌برداری و مدیریت طبیعت، نمونه‌های متعدد و بسیار جالبی از این دانش بومی را می‌توان دید. در این نظامها شواهد متعددی وجود دارد که نه تنها نشان دهنده دانش وسیع و عمیق مردم بومی درباره طبیعت است، بلکه نشانگر فعالیت‌هایی است که با اصول اکولوژی مطابقت داشته و طی قرن‌ها پایداری اکوسیستمها را حفظ کرده است.

بالاخره، ادبیات ایران نیز به عنوان شاخصی برجسته از فرهنگ ایران، شاهدهی دیگر بر طبیعت‌فهمی و طبیعت‌دوستی ایرانیان است که در اکثر آثار آن عشق به طبیعت و درک زیباییهای آن در بالاترین حد قابل مشاهده است.

- سابقه مشارکت در ایران

در باره مشارکت‌پذیری ایرانیان سه دیدگاه کلی وجود

نهیست غیرقابل برگشت و تغییر به منظور تجدیدنظر در ساختمان قدرتهای سیاسی و توزیع عادلانه تر امکانات و فرصتها می‌باشد (گلپریان، ۱۳۵۴). از آنجا که در این تحقیق مشارکت به حفاظت از محیط زیست محدود می‌شود، می‌توان گفت منظور از آن فرآیندی است که در آن مردم به طور مقطعی یا دائمی به فعالیتهایی آگاهانه و داوطلبانه می‌پردازند که منتهی به حفاظت از محیط زیست می‌شود و یا به حفاظت کمک می‌کند.

ب. سابقه طبیعت‌فهمی، مشارکت و سازمانهای غیردولتی در ایران:

- سابقه طبیعت‌فهمی در ایران

تمدن در ایران قدمتی چند هزار ساله دارد و این نکته بدین معنی است که قوم ایرانی درست برخلاف کشورهای که چند صدسال بیشتر قدمت نداشته و شروع حیات جمعی و ملی در آنها با تهاجم انسان در حال صنعتی شدن به آن سرزمینها مقارن بوده، تاریخ خود را از دل طبیعت آغاز کرد و مراحل مختلف رشد و بالندگی خود را همواره با طبیعت و در ارتباط تنگاتنگ با آن سپری نموده است.

قدمت چندین هزار ساله تمدن ایران و به تبع آن ارتباط دائمی و تنگاتنگ ساکنان این سرزمین با طبیعت، باعث شد که این مردم درک و فهم گسترده و عمیقی از طبیعت به دست آورده و در نتیجه حرمتی خاص برای طبیعت قایل باشند. حرمتی که در همه شئون زندگی این مردم از جمله در ادیان، باورها، مراسم، جشنها و ادبیات آنها متجلی شده است. جشنهای باستانی ایران اکثراً بر مبنای تقویم و رویدادهای طبیعی بوده و نمادهای به کار رفته در آنها نیز اکثراً طبیعی و برگرفته از طبیعت هستند. جشنهایی مانند گاهنبار، جشنهای دوازده گانه، جشن مهرگان، جشن سده و جشن نوروز، که شاید این آخری را بتوان بارزترین نماد طبیعت‌فهمی ایرانیان خواند (بزرگزاد، ۱۳۵۰).

در ادیان کشور ما نیز شواهد زیادی از توجه به طبیعت و توصیه به حفاظت از آن وجود دارد. در متون دینی زرتشتی مطالبی به چشم می‌خورد که پاک نگهداشتن طبیعت از آلودگیها و کاشت درختان را توصیه کرده است.

مردمی به شکل سنتی، وضع کمی فرق می کند. گرچه پژوهشهای تاریخی در این زمینه بسیار کم و نادر است ولی باز هم می توان بعضی از تشکلهای مردمی را در طول تاریخ کشور ملاحظه کرد. نمونه هایی که در این تحقیق به آنها دست یافته شد از قرار زیر است:

- انجمن اخوان الصفا: یک انجمن علمی - مذهبی بود که پس از اسلام توسط گروهی از دانشمندان و علما به وجود آمد.

- عیاران: طبقه ای از مردم عامی بودند که تشکیلات و آداب و رسوم خاص خود را داشته و گاه هم جهت حکام زمان و گاهی هم در مخالفت با آنان فعالیتهایی انجام می داده اند. نگهداری و دستگیری از بیچارگان و یاری درماندگان از صفات بارز آنها بود (معین، ۱۳۵۶).

- بنه: یک نظام و یک سازمان تعاونی کشاورزی است که از زمانهای دور، به منظور مقابله با شرایط نامساعد محیطی، افزایش توان اقتصادی و به طور کلی افزایش بهره وری، در بین کشاورزان پیدا شد. بنه ها اگرچه در قرن اخیر و با پیدایش کشاورزی نوین کاهش یافته اند ولی هنوز هم به حیات خود ادامه می دهند (فرهادی، ۱۳۷۶).

- تعزیه: یک تشکل مردمی با کارکرد مذهبی است که از گذشته های دور تاکنون وجود داشته است.

- وقف: این نیز یک پدیده اقتصادی مردمی، خود جوش و غیرانتفاعی است که بسیاری از فعالیتهای آموزشی، اجتماعی و توسعه ای را حمایت می کند. این پدیده پس از اسلام در ایران رایج شد و هنوز هم به حیات خود ادامه می دهد.

بستر سیاسی - اجتماعی - اقتصادی ایران برای مشارکت و فعالیت نهادهای مدنی

نگاهی اجمالی به تاریخ ایران نشان می دهد که مردم هیچگاه در این کشور جدی گرفته نشده اند و در نتیجه نهادهای مردمی نیز هیچگاه نتوانسته اند در ایران ریشه گرفته و در تحولات کشور خود تأثیرگذار باشند. این امر تا حد زیادی به خاطر نظام استبدادی حکومتهاست که می توان گفت در اکثر

دارد. دیدگاه اول ایرانیان را تکرو و فاقد روحیه مشارکت پذیری می داند. شاید خانم لمبتون را بتوان مشهورترین محقق معتقد به این نظریه دانست. دیدگاه دوم، دیدگاه اول را بشدت رد کرده و همکاری، یاریگری و مشارکت را یکی از خصایص ایرانیان می داند. مرتضی فرهادی معروفترین محقق طرفدار این نظریه است. البته در هر دو این دیدگاهها اکثر شواهد مربوط به جوامع روستایی است (فرهادی، ۱۳۷۶).

در باره مشارکت پذیری ایرانیان دیدگاه سومی هم وجود دارد که در واقع یک نظریه بینابینی است و به نظر می رسد با شرایط امروز جامعه ایران بیشتر مطابقت دارد و این نظریه توسط پرویز پیران ارایه شده است. وی معتقد است ایرانیان در عرصه های خانوادگی، عشیره ای، قبیله ای و مذهبی مشارکت جو و دیگر خواه هستند ولی در عرصه های اجتماع عام و در آنجا که علایق و روابط خانوادگی، عشیره ای و قبیله ای و اقتصادی سست می شود، نامشارکت جو هستند (پیران، ۱۳۷۷).

بهرحال نمونه های بسیار زیادی از مشارکت روستاییان و عشایر در امور مختلف وجود دارد ولی تعداد نمونه های مشارکت روستاییان در سطح وسیع چشمگیر نیست.

- سابقه سازمانهای غیردولتی در ایران

سازمانهای غیردولتی به معنایی که امروزه در مجامع بین المللی مصطلح است سابقه بسیار اندکی در ایران دارند. حتی اگر پا را از سازمانهای غیردولتی فراتر گذارده و انجمنهای علمی، انجمنهای خیریه، احزاب و اتحادیه ها هم در نظر گرفته شوند، عمر همه آنها در ایران از صد سال تجاوز نخواهد کرد. تشکیل سازمانهای غیردولتی که در حیطه های خاص مانند زنان و محیط زیست فعالیت می کنند، از دهه اخیر (۱۳۷۰) در ایران شروع شده است. باید گفت که پیدایش این گونه سازمانها در کشور، بسیار دیر هنگام و با روند کند صورت پذیرفت. در حالیکه امروزه در چهار گوشه جهان سازمانهای مهم، شناخته شده و فعالی وجود دارد، در کشور ما هنوز هم هیچ سازمان غیردولتی مهم و تأثیرگذاری - در مقایسه با نمونه های جهانی - وجود ندارد.

مطالب گفته شده در مورد سازمانهای غیردولتی به شکل امروزی آن بود. لیکن در مورد تشکلهای و سازمانهای

۱. محیط زیست محور اصلی تعریف: یعنی پذیرفته می‌شود که هدف غایی و نهایی همه تشکلهای غیردولتی زیست محیطی حفاظت از محیط زیست است.^(۶)
۲. پذیرش تنوع: با الگو قرار دادن اصل تنوع زیستی و فرهنگی، در اینجا نیز تنوع سازمانها و تشکلهای غیردولتی پذیرفته می‌شود.
۳. حفظ سلامت تشکلهای غیردولتی زیست محیطی: پذیرفته می‌شود که تعریف به گونه ای باشد که سازمانهای غیردولتی را از آفات و انحرافات دور نگه دارد.
۴. تأکید بر مشارکت: پذیرفته می‌شود که دستیابی به مشارکت مردمی و هدایت آن یکی از کارکردهای اساسی سازمانهای غیردولتی است. سپس با توجه به این اصول، موارد اختلاف موجود در تعریفهای بیان شده توسط افراد مصاحبه شونده مورد تحلیل و قضاوت قرار گرفت و در نهایت، تعریف به صورت زیر ارائه شد:
تشکل غیردولتی زیست محیطی تشکلی است عضو پذیر، داوطلبانه و غیرسودآور که دولت و حکومت در امور آن دخالت ندارد و هدف اصلی آن فعالیت در زمینه محیط زیست و با زمینه های مرتبط با محیط زیست است.^(۷)

وضعیت تشکلهای غیردولتی زیست محیطی در ایران:

قدیمی ترین تشکل غیردولتی زیست محیطی ایران که در این تحقیق از آن اطلاع حاصل شد، تشکل مردمی "زنان اشکذر" در استان یزد بود که از اواخر دهه ۱۳۴۰ فعالیت خود را به منظور مقابله با هجوم شنهای روان، با همکاری دولت وقت آغاز کرد. تشکل غیردولتی زیست محیطی بعدی که از آن اطلاع حاصل شد، انجمن حمایت از حیوانات بود که در اواسط دهه ۱۳۵۰ تشکیل گردید. از زمان انقلاب تا پس از جنگ، اگرچه تلاشهایی برای تشکیل تشکلهای زیست محیطی وجود داشت، ولی این روند تقریباً ساکن بود. در دهه اخیر و بویژه از سال ۱۳۷۲ روند تشکیل این تشکلهای قوت گرفت و اکنون به اوج خود رسیده است. در حال حاضر حدود ۵۰ تشکل غیردولتی زیست محیطی در کشور وجود دارد و احتمال می‌رود در چند سال آینده تعداد این تشکلهای چند برابر شود. از سال ۱۳۷۷ این تشکلهای اقدام به تشکیل یک شبکه به نام "شبکه تشکلهای غیردولتی زیست محیطی ایران" نمودند.

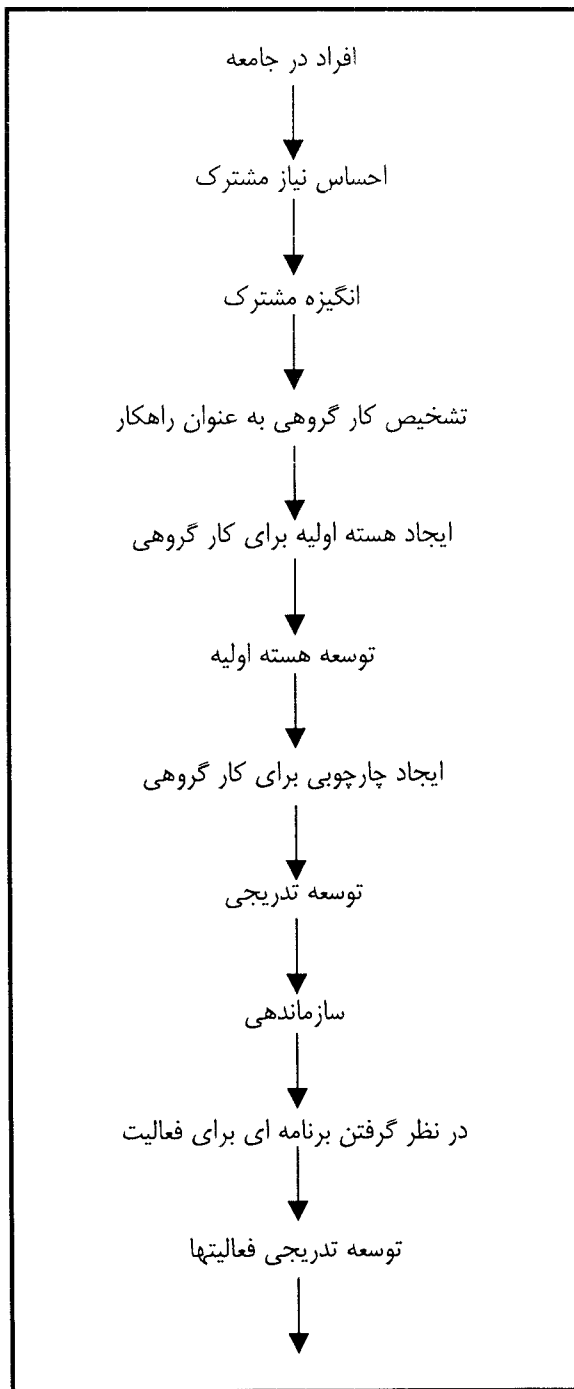
دوره های تاریخی بر این مملکت حاکم بوده است. خود این نظام استبدادی نیز تا حد زیادی ریشه در موقعیت طبیعی و جغرافیایی ایران داشته است. ویژگیهای اقلیمی ایران بر اموری مانند تولید تجارت، ارتباطات و مسایل نظامی اثر گذاشته و در نهایت نظامهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور را اغلب در خلاف مسیر مردم سالاری و مشارکت هدایت کرده است.^(۸)

از اواسط دوره قاجاریه زمینه های دگرگونی این اوضاع شروع به شکل گرفتن کرد و از آن زمان تاکنون تاریخ ایران شاهد چالشهای زیادی بوده است که در اثر آگاهی مردم و تلاش برای برون رفت از شرایط نامساعد کشور شکل گرفته اند. با مرور کلی روند تاریخی ایران از زمان انقلاب مشروطه تاکنون می‌توان گفت این روند به سوی خروج از دیکتاتوری و همچنین به سوی ثبات سیاسی - اجتماعی حرکت کرده است و طی این مدت بتدریج بستر اجتماعی و سیاسی مورد نیاز برای تحقق مشارکت مردم رو به بهبودی رفته است، لیکن هنوز تا رسیدن به سطح مناسب راه درازی در پیش است.

یافته های پژوهش

- تعریف سازمانهای غیردولتی زیست محیطی:

برای رسیدن به این تعریف ابتدا تعاریف اندکی که از سازمان غیردولتی موجود بود گردآوری شد و چون هیچیک از آنها تعریف قابل قبولی برای آنچه در ایران تحت این عنوان فعالیت می‌کنند به دست نداد، از یک روند چند مرحله ای برای رسیدن به تعریف استفاده گردید. به این صورت که ابتدا چندین تعریف از سازمانها بررسی شده، موارد مشترک آنها بیرون کشیده شد و یک تعریف از سازمان ارائه گردید. سپس ویژگیهایی که موجب "غیردولتی" بودن یک سازمان می‌شود بررسی و بدین ترتیب ویژگیهای یک "سازمان غیردولتی" مشخص شده و در مرحله بعدی با توجه به تعاریف ارائه شده توسط افراد مصاحبه شونده و بویژه مسئولان سازمانهای غیردولتی، موارد اشتراک و اختلاف در این تعریفها به دست آمد. پس از این مرحله و پیش از آن که تعریف نهایی ارائه شود، برای بالا بردن میزان صحت تعریف چهار اصل تعیین شد که تعریف بر اساس آنها بنا نهاده شود. این اصول از این قرارند:



نمودار شماره (۱): الگوی فرضی روند شکل گیری تشکلهای غیردولتی زیست محیطی در ایران

- الگو و روند تشکیل تشکلهای غیردولتی زیست محیطی:

بر اساس مشاهده ها و مصاحبه های انجام شده، روند کلی تشکیل تشکلهای مورد بحث به این صورت بوده است: ابتدا یک یا چند نفر به واسطه عواملی مانند تحصیلات، شغل، علاقه های شخصی، زندگی در طبیعت و مشاهده تخریبها حساس و برانگیخته شده و پس از دوره ای تفکر درباره موضوع به فکر چاره اندیشی افتادند. رسیدن به رهیافت کار گروهی و جمعی، گاه به صورت طی روند بوده که در یک نقطه به حد آستانه رسیده و منجر به رسیدن به این رهیافت شده و گاه در اثر یک جرقه خاص مانند مطالعه یک مطلب یا مشاهده برنامه ای از تلویزیون اتفاق افتاده است. پس از این مرحله، افراد به دنبال پیدا کردن همفکر و همراه رفته و یک هسته اولیه را شکل داده اند. این هسته بتدریج گسترش یافته، سازماندهی شده و اغلب شکل قانونی به خود گرفته یا برای رسیدن به این منظور تلاش شده است. در طول این روند نیز گاه فعالیتهای زیست محیطی مختلفی انجام گرفته است. در ضمن سرعت این روند اغلب به خاطر موانع مختلف سیاسی و قانونی کم شده است. روند یاد شده را می توان به صورت نمودار شماره (۱) نشان داد:

- **خاستگاه تشکلهای غیردولتی زیست محیطی ایران:**
 باتوجه به مشاهدات انجام شده می توان گفت تشکلهای سازمانهای غیردولتی ایران از قشر متوسط اجتماعی برخاسته اند. مؤسسان و هسته های اولیه اینها از نظر اقتصادی اغلب از

طبقه متوسط به بالا بوده و از نظر فرهنگی اکثراً از قشر دانشگاهی و تحصیلکرده و دانشجو هستند. اگرچه افراد تشکیل دهنده این تشکلهای اغلب انگیزه‌های اجتماعی، مذهبی و ملی قوی برای کار خود دارند، لیکن تأثیرپذیری آنها از سازمانهای غیردولتی و به طور کلی جنبش زیست محیطی خارج از کشور کاملاً مشهود است. در زمینه خاستگاه اجتماعی و هواداران این تشکلهای نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که اینها از قشر فرهنگی هستند نه از قشر مرفه^(۷).

زمینه فکری تشکلهای غیردولتی زیست محیطی ایران:

مشاهدات و مصاحبه‌های انجام شده نشان داد که بنیانگذاران تشکلهای مورد مطالعه هیچ فلسفه یا ایدئولوژی خاصی در زمینه محیط زیست نداشته‌اند. آنها حداکثر دارای یک رشته اندیشه‌هایی بودند که از آگاهی و علمی که در رابطه با محیط زیست داشتند و نیز از احساسات شخصی شان ناشی شده بود. در واقع برخلاف تشکلهای جنبشهای مشابهی خارج که دارای ایدئولوژیهای خاصی یا اندیشه‌های فلسفی و سیاسی متعدد و معروفی مانند نظریه گایا، اکولوژی ژرف نگر، زیست بوم گرایی و اکوفمیسیم هستند، در داخل کشور هیچ چارچوب فکری و نظری مشخص و منسجمی در این زمینه به چشم نمی‌خورد.

جایگاه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تشکلهای غیردولتی زیست محیطی در ایران:

از نظر سیاسی تشکلهای غیردولتی در ایران هیچگونه جایگاهی ندارند. در واقع نظام، اعتماد و اطمینان لازم را به مردم نداشته و به این دلیل دو بار خود را در تقابل با تشکلهای غیردولتی زیست محیطی دیده است: یکبار وقتی که آنها می‌خواهند خود را وارد صحنه کنند و یکبار وقتی که می‌خواهند جلوی آلودگی و تخریب را بگیرند. زیرا در حالت اول دولت و نظام مجبور به عقب نشینی در مقابل مردم می‌شوند و در حالت دوم نیز از آنجا که اکثر صنایع و فعالیتهای تولیدی و اقتصادی در اختیار و تحت کنترل دولت و نظام است و این فعالیتها و صنایع نیز اکثراً آلوده کننده هستند، باز تلاش سازمانها و تشکلهای غیردولتی در مبارزه با آلودگی و تخریب به رویارویی با دولت منتهی می‌شود. به هرحال همچنانکه افراد در مصاحبه‌ها اشاره کردند، ساختار سیاسی کشور ما اجازه ایفای نقش در تحولات کشور را به آنها نمی‌دهد.

واقعیه دوم خرداد که خود معلول وضعیت بحرانی کشور و تلاش برای برون رفت از آن بود، تأثیراتی را در بهبود این اوضاع داشته است که این تأثیرات را در چند مورد می‌توان به روشنی مشاهده کرد. اول آنکه سیاست عمومی مشارکت در دولت جدید تا حدودی نتایج خود را در ایجاد ساختارها و تشکیلاتی برای بهبود امر مشارکت نشان داده است. دفتر مشارکتهای مردمی سازمان حفاظت محیط زیست و مرکز ملی جوانان دو مثال عمده این تشکیلات هستند که در زمان دولت جدید ایجاد شدند. دومین تأثیر را می‌توان در برخی سیاستهای مثبت در این زمینه دید. برای مثال در برنامه پنجساله سوم توسعه، بعضی از تشکلهای غیردولتی در تصمیم سازی و ارائه راهکار دخالت داده شدند. البته این کار در سطح بسیار محدود صورت گرفت و هنوز نتایج آن یک حرکت جدی برای مشارکت در برنامه ریزیهای کشور به حساب آورد. سومین تأثیری که شاید بتوان آن را عملی ترین و مثبت ترین سیاست دولت جدید در زمینه تشکلهای غیردولتی نامید، حمایت مالی و قانونی از تشکلهای غیردولتی جوانان بوده است. اعطای کمکهای مالی به سازمانهای غیردولتی جوانان از سال ۱۳۷۷ آغاز شد و در نیمه اول سال ۱۳۷۸ نیز مرکز ملی جوانان نظامی را پیاده کرد که در آن سازمانهای غیردولتی جوانان دیگر نیاز به گذراندن مراحل طاقت فرسای ثبت و گرفتن مجوز از وزارتخانه‌های مختلف را ندارند و نسبت به روند پیشین بسیار آسانتر می‌توانند به ثبت برسند و به رسمیت شناخته شوند. واقعه دوم خرداد تأثیرات غیرمستقیم دیگری نیز داشته است. برای مثال در بسیاری از ادارات و وزارتخانه‌ها، دیگر صحبت از سازمانهای غیردولتی با ملاحظه و محافظه کاری همراه نیست. در واقع پذیرش دستگاههای ذیربط نسبت به اینها افزایش یافته و حتی در مواردی با تشویق همراه است. همچنین، تشکلهای غیردولتی زیست محیطی که تا چند سال پیش فعالیت آنها حتی به صورت انفرادی زیر ذره بین بود، اکنون تشکیل شبکه داده و از طریق وزارت امور خارجه با مسئولین شبکه‌ها، سازمانهای غیردولتی و حتی - در یک مورد - با احزاب سبز خارجی ارتباط برقرار می‌کنند. البته هنوز محدودیتهای ثبتی و قانونی زیادی بویژه در شهرستانها وجود دارد، لیکن از نظر سیاستهای کلی اعلام شده در مملکت، پیشرفتهای انجام شده قابل مشاهده است.

دامنه شیوه های فعالیت آنها نیز وسیع است. مجموعه این شیوه های فعالیت از قرار زیر است:

برگزاری کلاس و کارگاههای آموزشی، آموزش چهره به چهره در محلات، برگزاری سمینارها و همایشهای علمی و آموزشی، تحقیق، انتشارات (خبرنامه، گاهنامه، ماهنامه، فصلنامه، جزوه آموزشی و علمی و کتاب)، دادن بیانیه و قطعنامه، برگزاری مراسم مختلف، انجام فعالیتهای نمادین، برگزاری نمایشگاه و بازار سبز، تهیه برنامه های رادیویی و تلویزیونی، درج مطلب در مطبوعات، فعالیتهای عملی مانند ایجاد فضای سبز، گلگشت، نظارت بر فضای سبز و حفاظت آن، پاکسازی طبیعت در سطح وسیع و اجرای طرحهایی برای بعضی از سازمانها، بیابانزدایی و اقدام مستقیم علیه عاملان تخریب، پیشنهاد برای وضع قوانینی به نفع محیط زیست و همچنین مشارکت در تهیه برنامه پنجساله سوم توسعه نیز از دیگر فعالیتهای انجام شده توسط این تشکلهاست.

به طور کلی تشکلهای غیردولتی زیست محیطی ایران هنوز از نظر فعالیت تخصصی نشده اند و اگرچه موارد اندکی با زمینه فعالیتی خاص وجود دارند، لیکن مجموعه این تشکلهای هنوز وارد مرحله ای نشده اند که بتوانند در زمینه های گوناگون محیط زیست فعالیتهای تخصصی انجام دهند. توانایی اصلی این تشکلهای در زمینه آگاه سازی عمومی و فعالیتهای پژوهشی است و در زمینه اجرایی بویژه در جایی که نیاز به سرمایه گذاری و نیروی انسانی زیاد هست، توانایی ندارند.

سطح سیاسی فعالیت تشکلهای غیردولتی زیست محیطی ایران:

یافته ها نشان می دهد که این تشکلهای در مسایلی که وجه سیاسی آن پررنگ است و می تواند مخاطره آمیز باشد فعالیت نمی کنند، به عنوان مثال هیچیک از تشکلهای مورد بررسی در مورد نیروگاه اتمی بوشهر فعالیت نکرده اند و در مورد آزمایشهای هسته ای هند و پاکستان نیز تنها دو تشکل واکنش نشان داده بودند.

اگرچه این تشکلهای اغلب درباره ورود به حیطه مسایل سیاسی هشدار می دهند، ولی شواهد نشان می دهد که در صورت امکان ورود به این حیطه، نسبت به این امر بدون تمایل نخواهند بود. معرفی کاندید برای انتخابات شوراهای شهر توسط یکی از این تشکلهای و تعدادی فعالیت انتخاباتی دیگر توسط افرادی از این تشکلهای نشان دهنده این تمایل است.

از نظر قانونی و حقوقی هنوز جایگاه این تشکلهای در کشور مشخص نیست. مراجع متعددی برای ثبت این تشکلهای وجود دارد که هر یک شیوه ها و معیارهای جداگانه ای برای ثبت دارند. هنوز یک تعریف مشترک و واحد در سطح کشور برای سازمانهای غیردولتی وجود ندارد و در نتیجه محدوده مشخصی نیز برای آنها تعیین نشده است که این موضوع در تدوین نشدن قوانین مناسب برای تشکیل و فعالیت آنها اثر گذارده است. در قوانین موجود نیز ویژگیهای سازمانهای غیردولتی در نظر گرفته نشده و در نتیجه آنها، هم در ساختار و هم در فعالیت مشکل دارند.

از نظر اجتماعی نیز تشکلهای غیردولتی زیست محیطی هنوز جایگاه لازم را در کشور پیدا نکرده اند. این تشکلهای برای بسیاری از مردم ناشناخته اند. حتی در تحقیقات انجام شده مشخص شد که بعضی از مردم به دلیل ترس از عواقب سیاسی با آنها همکاری نمی کنند. مشکل دیگری که در این زمینه وجود دارد، عدم درک مردم از اهمیت و نقش این سازمانهاست که باعث می شود این سازمانها زیاد از سوی مردم جدی گرفته نشوند.

- زمینه ها و شیوه های فعالیت تشکلهای غیردولتی زیست محیطی ایران:

پاسخ پرسشهای مصاحبه ها حاکی از آن است که "آموزش و ترویج" راهکار عمده و اصلی تشکلهای غیردولتی زیست محیطی در ایران است. این امر دو علت دارد: اول این که سطح آگاهی زیست محیطی در کشور ما بسیار پایین است که این پدیده ای مشترک بین مردم و مسئولان است. دلیل دوم جو سیاسی حاکم بوده است. از آنجا که آزادی عمل برای این تشکلهای وجود نداشته است، آنها در لاک محافظه کاری فرو رفته و حضور داشتن و فعالیت کردن را هر چند در سطح کوچک، به رویارویی با حکومت و عواقب بعدی آن ترجیح داده اند. در واقع تصمیم گرفته اند حالا که در کوتاه مدت نمی توانند نتایج عمل خود را ببینند و اقداماتی با نتایج فوری انجام دهند، شاهد موفقیت خویش در درازمدت باشند.

زمینه های فعالیت این سازمانها نیز گسترده نیست. اکثر آنها پیرامون مسایل محیط زیست شهری فعالیت می کنند ولی بعضی از زمینه های فعالیت تخصصی مانند حمایت از حیوانات، بیابانزدایی و حفاظت از جنگلهای نیز در کار آنها دیده می شود.

ارتباطات در تشکلهای غیردولتی زیست محیطی ایران:

وجود دارد، ولی در عوض رابطه موجود معمولاً صمیمانه است و تشکلهای از روابط و نحوه همکاریشان با بخش خصوصی، بیشتر از رابطه با دولت رضایت دارند. در مواردی هم بخش خصوصی از این تشکلهای حمایت مالی کرده است.

• رابطه تشکلهای غیردولتی زیست محیطی با همدیگر: اینها روابط مختلفی با یکدیگر دارند. گاه هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند، گاه روابط صمیمانه و همکاری دارند و گاه نیز روابط خصمانه دارند و به یکدیگر تهمت می‌زنند. به عنوان مثال مسئول یکی از تشکلهایی که با وی مصاحبه شد، یکی دیگر از تشکلهای را متهم به وابستگی به خارج می‌کرد. همچنین درگیریهایی بر سر اینکه چه کسی سازمان غیردولتی هست و چه کسی نیست وجود دارد. برای مثال یک تشکل دیگری را متهم به "دولتی بودن" می‌کند و تشکل دیگر اولی را متهم به "شرکت بودن" یا "انتفاعی بودن" می‌کند. البته در مقایسه با روابط دیگر، اینگونه روابط زیاد متداول نیست. بی‌اطلاعی از همدیگر، نداشتن ارتباط رسمی یا کاری، و روابط دوستانه و همکاری شایع‌ترین نوع ارتباطات بین این تشکلهای هستند. اخیراً با تشکیل شبکه همیاری سازمانهای غیردولتی زیست محیطی روابط و آشنایی این سازمانها با یکدیگر بیشتر شده است. البته تشکیل شبکه، اختلافات را نیز دامن زد و دلیل اصلی آن تلاش برای تعیین حدود سازمانهای غیردولتی و جلوگیری از ورود تشکلهایی بود که ویژگیهای تشکل غیردولتی را ندارند. همچنین در زمان تشکیل شبکه اختلاف نظرهایی در مورد وظیفه و نقش شبکه وجود داشت.

• رابطه با مجامع و تشکلهای غیردولتی بین‌المللی: ارتباط این تشکلهای با سازمانهای غیردولتی خارج بسیار کم است و تنها دو تشکل از تشکلهای مورد بررسی در بعضی از شبکه‌های زیست محیطی خارج از کشور عضو هستند. از نظر ارتباط با سازمانهای بین‌المللی وضع کمی بهتر است. برای مثال دو تشکل به عضویت "تسهیلات جهانی محیط زیست" (GEF) در آمده‌اند و حدود ۵ تشکل نیز با UNDP همکاری داشته و پروژه‌هایی را انجام می‌دهند. ضعف ارتباط در این قسمت نیز چند دلیل دارد: نخست، نوپا بودن این تشکلهای، دوم، نرس از اتهام به

• رابطه با مردم: یکی از نقاط قوت و عملکردهای مثبت این تشکلهای، ارتباطی است که تاکنون با مردم ایجاد کرده‌اند. اگرچه همه تشکلهای در برقرارکردن ارتباط وسیع و عمیق موفق نبوده‌اند ولی در مجموع ارتباط خوبی با مردم برقرار کرده و این ارتباط تا حد زیادی ضامن موفقیت آنها بوده است. این ارتباط در تشکلهای محلی به خاطر گستردگی کمتر و شناخت و اعتماد بیشتر مردم موفق‌تر بوده است. همچنین در تشکلهایی که رابطه بالا و پایینی در ارتباطاتشان کمتر بوده و این ارتباط به صورت همسطح انجام می‌شود، موفقیت بیشتر است.

• رابطه با دولت: تشکلهای غیردولتی زیست محیطی روابط متفاوتی را با دولت و ادارات و نهادهای دولتی دارند. در مجموع همه آنها تلاش داشته‌اند تا با دولت به تفاهم برسند و هیچگاه رابطه خصومت‌آمیزی با آن نداشته باشند. حتی همکاریهای مختلفی نیز با دولت داشته‌اند، گاهی این تشکلهای برنامه‌هایی را ترتیب داده‌اند و از نهادهای دولتی دعوت به همکاری کرده و گاه نیز دولت در برنامه‌های خود از آنها دعوت به همکاری کرده است. در مقابل دولت روابط متغیر و گاه متناقض با این تشکلهای داشته است. دولت از یک سو در مرحله ایجاد و راه‌اندازی، همکاریهای لازم را با آنها به عمل نمی‌آورد و از سوی دیگر در مواردی از طریق دادن طرح و پروژه‌های کاری به آنها یا از طریق در اختیار گذاشتن امکاناتی مانند وسایل نقلیه و یا محل استقرار به آنها کمک می‌کند. البته فهم این تناقض زیاد دشوار نیست. از آنجا که قوانین مشخص و روشنی در این مورد وجود ندارد و نظام حکومتی نیز در مجموع سیاست "کژدار و مریز" را در قبال اینها در پیش گرفته است، برخوردها و رفتارهای دولت از زمانی به زمان دیگر و از محلی به محل دیگر و از اداره‌های به اداره دیگر متفاوت است. در ضمن سلیقه افراد و رابطه آنها با تشکلهای نیز در متغیر بودن نوع برخوردها دخالت دارد.

* رابطه با احزاب و بخش خصوصی: تشکلهای غیردولتی زیست محیطی ایران هیچگونه رابطه‌ای با احزاب ندارند. بین این تشکلهای و بخش خصوصی نیز رابطه محدودی

- نظام حکومتی به تشکلهای غیردولتی اعتماد کافی ندارد.
- دولتی بودن بیش از حد امور احتمال رویارویی تشکلهای با دستگاههای دولتی را به وجود می آورد.
- در مجموعه نظام حکومتی کشور بر سر سیاستهایی که باید در مورد این تشکلهای اتخاذ شود توافق وجود ندارد.
- نظام حکومتی در مجموع به نقش بسیار مهمی که این تشکلهای می توانند در کشور ایفا کنند اعتقاد ندارد.
- نظارت و کنترل دولت بر تشکیل و فعالیت این تشکلهای بیش از حد لازم است.

مشکلات قانونی و حقوقی:

- تعریف مشخص و ثابتی از سازمانهای غیردولتی در ایران وجود ندارد.
- قوانینی که منحصراً مربوط به تشکلهای غیردولتی زیست محیطی و یا حتی تشکلهای غیردولتی به طور عام باشد وجود ندارد.
- قوانینی که در زمان حاضر برای ثبت نمودن و دادن مجوز به تشکلهای غیردولتی از آن استفاده می شود به روز نیستند.
- مراکز ثبت کننده تشکلهای غیردولتی زیست محیطی و ملاکهای آنان برای ثبت با یکدیگر کاملاً متفاوت است.
- وزارت کشور هنگام ثبت تشکلهای غیردولتی به آنها به دیده احزاب سیاسی می نگرد.
- وضعیت این تشکلهای هنوز از لحاظ مالیاتی مشخص نیست.
- ساختارهای تشکیلاتی که در اشکال مختلف اساسنامه های موجود به این تشکلهای دیکته می شود مناسب با اهداف آنان نیست.
- ناکاهمی و بی تجربگی مجریان قوانین، مشکلات مضاعفی را در روند ثبت به وجود می آورد.
- نبودن مسیرهای مشخص قانونی در تشکیلات دولتی برای همکاری با تشکلهای غیردولتی باعث دخالت داشتن سلیقه افراد در کار می شود.

مواردی مانند جاسوسی و مزدوری در اثر جو سیاسی حاکم بر کشور، و سوم، بی اطلاعی دوطرفه ای که بین تشکلهای غیردولتی زیست محیطی ایران و خارج وجود دارد. البته باید یادآور شد که این ضعف ارتباطات به واسطه فعالیتهای شبکه، ورود بعضی هیئت ها و افراد خارجی و نیز بازدیدهای متقابل در حال برطرف شدن است. ابزارها و شیوه های ارتباطی: تشکلهای غیردولتی زیست محیطی ایران از شیوه های ارتباطی مختلفی برای برقراری ارتباط با مخاطبین خود استفاده می کنند، مانند مکاتبه، تماس رودررو، برگزاری جلسات، همایش، خبرنگار و نشریه. لیکن ضعف بزرگی که در کار اینها وجود دارد، عبارت است از عدم امکان استفاده از رادیو و تلویزیون. اگرچه گهگاه تلویزیون برنامه هایی را از همایشهای این تشکلهای پخش می کنند، ولی این برنامه ها بندرت به معرفی خود تشکلهای می پردازند. همچنین در حالی که اینها برای موفقیت در فعالیتهایشان و بویژه فعالیتهای گسترده و عمومی خود بشدت نیازمند به ابزار ارتباطات جمعی هستند، امکان استفاده از این رسانه برای آنها وجود ندارد. برنامه های رادیویی نیز وضعیت مشابهی دارند، یعنی اگرچه ممکن است گاه به پخش برنامه های تهیه شده توسط این تشکلهای یا پخش مطالبی از فعالیتهایشان پردازند، ولی امکان استفاده مستقیم برای آنها وجود ندارد.

- مشکلات تشکلهای غیردولتی زیست محیطی ایران:

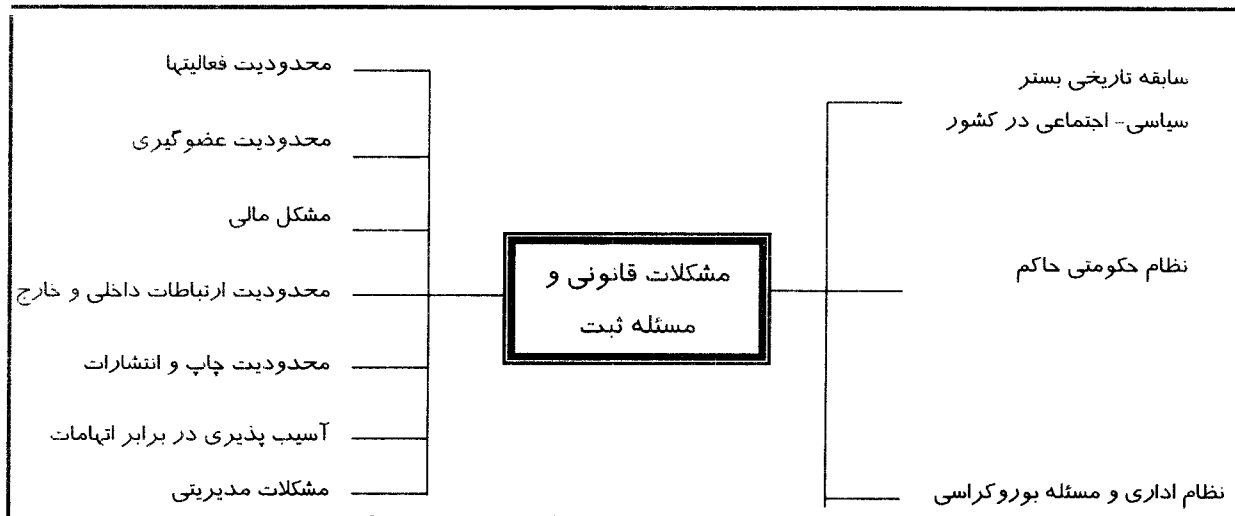
تشکلهای غیردولتی ایران و از جمله تشکلهای غیردولتی زیست محیطی با انبوهی از مشکلات روبرو هستند که آنان را از ایفای نقش و توانایی واقعی خود باز می دارد. مشکلات گوناگون این تشکلهای را می توان در شش گروه تقسیم بندی کرد: مشکلات سیاسی، مشکلات حقوقی و قانونی، مشکلات اداری و بوروکراتیک، مشکلات اقتصادی، مشکلات اجتماعی، و مشکلات فرهنگی. موارد درون هر یک از این گروهها به شرح زیر است:

مشکلات سیاسی:

- استبداد و نبود مردم سالاری در کشور ریشه های عمیق تاریخی دارد.

معلولی این مشکل با مشکلات دیگر را می‌توان به صورت نمودار شماره (۲) نشان داد.

شایان گفتن است که خود مشکلات قانونی بویژه مسئله ثبت، عاملی است برای ایجاد مشکلات دیگر. رابطه علت و



نمودار شماره ۲: رابطه علت و معلولی مشکلات قانونی و ثبت با مشکلات دیگر

مشکلات اجتماعی

- نآشنا بودن مردم با مشارکت
- نآشنا بودن مردم با تشکلهای غیردولتی
- نداشتن فرهنگ کارهای جمعی
- پرمشغله بودن اعضا به خاطر مسایلی معیشتی و در نتیجه نداشتن وقت کافی برای همکاری
- تهمت زدن به اعضا توسط مردم به خاطر مسایلی مانند کار کردن دختر و پسر با همدیگر
- در ضمن مسایلی مانند جدی نگرفتن کار توسط اعضا، نداشتن صبر کافی در کارهای ریشه ای و دیربازده و توجه به منافع فردی نیز وجود دارد که همه اینها در همان مورد نداشتن " فرهنگ کارهای جمعی" می‌گنجد.

مشکلات داخلی

- مشکلات داخلی به طور عمده شامل مسایلی مدیریتی و نیز روابط بین افراد و تشکلهای می‌شوند و به قرار زیر هستند:
- نشناختن صحیح و کامل صورت مسئله
 - نداشتن دانش و دید مدیریتی لازم
 - مشارکتی نبودن مدیریت
 - الویت بندی نشدن اهداف
 - نداشتن برنامه و بویژه برنامه بلندمدت

مشکلات اداری و بوروکراتیک

- وجود مراحل طولانی بوروکراسی در ادارات و تشکیلات دولتی ذیربط
- عدم درک کافی نهادهای دولتی از تشکلهای غیردولتی و در نتیجه برخورد نامناسب با این تشکلهای سنگ اندازی و کارشکنی
- تبعیض قایل شدن در آرایه مجوز
- افتادن وقفه در کار به خاطر تعویض و جابجایی مدیران

مشکلات اقتصادی

- بسیاری از اعضا حق عضویت خود را نمی‌پردازند.
- منابع تأمین بودجه برای تشکلهای غیردولتی محدود است.
- تأمین بودجه از طریق دولت به استقلال و بی طرفی تشکلهای آسیب می‌زند و حتی می‌تواند باعث انحراف شود.
- مشکلات مالی تهیه امکانات و تجهیزات را دچار مشکل می‌کند و این امر به عدم امکان بکارگیری تواناییها و در نهایت محدود شدن فعالیتها می‌انجامد.

مثال عضویت سه نسل از یک خانواده در یک تشکل (پدربزرگ، پدر، نوه)، یا کمکهای مالی دامداران سنتی به یکی از تشکلهای، یا کمک مالی ده میلیون ریالی یک شرکت خصوصی صنعتی به یک تشکل. بهرحال فرصتهای زیادی در زمینه های مختلف مانند زمینه های علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ارتباطات وجود دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

استقبال و حمایت مردم، استقبال متخصصین و کارشناسان رشته های مختلف به ویژه محیط زیست از تشکلهای و عضویت در آنها، قرار گرفتن در یک مقطع زمانی نسبتاً مناسب از نظر شرایط اجتماعی و سیاسی در مقایسه با چند سال قبل، مطرح شدن شعارهایی درباره مشارکت مردم در امور مملکت، توجه بعضی از مسئولان دولتی به این تشکلهای و استقبال از آنها، همکاری برخی از تشکیلات دولتی در بعضی از برنامه های تشکلهای، کمکهای مالی بلاعوض مرکز ملی جوانان به برخی از تشکلهای، امکان گرفتن طرح و پروژه از بعضی تشکیلات دولتی، تشکیل شدن شبکه سازمانهای غیردولتی زیست محیطی در کشور، توجه مجامع بین المللی به موضوع مشارکت و سازمانهای غیردولتی، امکان برقراری بعضی ارتباطات و انجام بعضی همکاریها با مجامع و تشکلهای غیردولتی بین المللی، و دهها فرصت و امکان کوچک و بزرگ دیگر که برای دیدن آنها، دقت و برای استفاده از آنها به کمی همت نیاز است.

ارزیابی تشکلهای غیردولتی زیست محیطی در ایران
یافته ها نشان می دهد که این تشکلهای در فعالیتهای خودکارایی خوبی داشته اند و با توجه به امکانات محدودشان فعالیتهایی را که شروع کرده اند به خوبی انجام داده اند. لیکن از آنجا که فعالیتهایشان "مشکل محور" نبوده است، اثربخشی کمی در زمینه محیط زیست داشته است. البته مواردی هم وجود دارد که اثربخشی و کارایی بالایی را نشان می دهد. باید گفت از آنجا که فعالیتهای انجام شده توسط این تشکلهای اکثراً آموزشی و ترویجی است و کار فرهنگی محسوب می شود، در نتیجه تأثیرشان قابل اندازه گیری نبوده و در دراز مدت مشخص می شود. بنابراین نمی توان به راحتی در مورد آنها قضاوت کرد. لیکن اگر ملاک قضاوت به نتیجه رسیدن کار در زمینه رفع یک مشکل خاص باشد، شاید بتوان گفت فعالیتهایی مانند فعالیتهای گروه زنان روستایی اشکذر یا گروه سبز ماسال نمونه های موفق هستند. گروه زنان اشکذر توانسته است با

- مشکل "محور نبودن" فعالیتهای (عدم تمرکز فعالیتهای بر مشکلات زیست محیطی مهم)
- نداشتن ارتباطات کافی با اعضا
- بی اطلاعی از تواناییهای تشکل
- عدم احساس نیاز به اعمال شیوه های مدیریتی مناسب
- ریزش نیروها در اثر عوامل مختلف و بویژه تأخیر در ثبت و گرفتن مجوز
- نداشتن توان جذب و هدایت مشارکت مردم در سطح گسترده
- نداشتن اطلاع کافی و گاه بی اطلاعی این تشکلهای از یکدیگر
- نداشتن دسترسی یا دسترسی کم به اطلاعات در زمینه محیط زیست
- دو دستی درون بعضی از تشکلهای
- قبول نداشتن همدیگر
- عدم تشریح مساعی و برنامه ریزی مشترک برای رسیدن به هدف مشترک
- وجود نوعی فاصله بین تشکلهای غیردولتی و سازمانهای دولتی بین المللی داخل کشور.

در پایان این قسمت باید به دو نکته اشاره کرد. نخست این که مشکلات ششگانه فوق در مجموع در شهرستانها شدت بیشتری دارند. از دلایل این امر می توان طولانی تر شدن مراحل اداری و پررنگ شدن بوروکراسی، توسعه نیافتگی جوامع و مشکلات اقتصادی بیشتر مردم و محدودتر بودن منابع مالی تشکلهای را نام برد. دوم آن که مشکلات ذکر شده همیشه عمومیت نداشته و بعضی از آنها تنها در چند تشکل وجود دارند.

- فرصتهای موجود برای تشکلهای غیردولتی زیست محیطی ایران:

طی تحقیق بندرت مشاهده شد که تشکلهای غیردولتی به فرصتها توجه داشته باشند. لیکن نگاه واقع بینانه نشان می دهد که فرصتهای بسیار خوبی نیز وجود دارد که توجه به آنها و استفاده از آنها می تواند کمک بزرگی برای رسیدن به موفقیت باشد. در موارد مشاهده شده نمونه هایی بود که وجود این فرصتها را به طور برجسته نشان می داد. برای

حالت اول این که نظام بخواهد به مردم، فقط به خاطر خودشان و بدون در نظر گرفتن اهداف دیگر توجه واقعی کند و حقوق آنها را محترم بدارد. در این صورت تشکلهای غیردولتی نیز مسلماً به عنوان بخشی از همین مردم مورد توجه قرار خواهند گرفت و در راستای رفع مشکلات آنها اقدام خواهد شد.

حالت دوم این است که نظام به منظور حل مشکلات موجود بخواهد به مردم توجه کند. در این حالت نیز باز نتیجه ای مشابه حالت اول و احتمالاً با قوت کمتر تکرار خواهد شد.

حالت سوم این است که نظام به دلیل نیاز به ادامه حیات در جامعه بین الملل و منزوی نبودن بخواهد سیاستهایی را اتخاذ کند. در این صورت هم مردم و هم محیط زیست باید مورد توجه قرار گیرند و در نتیجه تشکلهای غیردولتی زیست محیطی نیز مورد توجه قرار خواهند گرفت.

و حالت آخر این که نظام به خاطر مصالح خود یا به دلیل داشتن دیدگاههایی خاص نخواهد به مردم و از جمله تشکلهای غیردولتی توجه کند. در این صورت در کوتاه مدت یک محدودیت و توقف در کار این تشکلهای پیش می آید. ولی این تشکلهای حتی اگر منحل شوند تمایل و اشتیاق و آمادگی شان به صورتهای دیگر ادامه می یابد و در یک مقطع زمانی دراز مدت تر که نظام نتوانست به حرکت و حیات خود به شیوه قبلی ادامه دهد و مجبور به تغییر سیاستها شد، دوباره در جامعه ظاهر می شوند. بنابراین در این حالت نیز تنها در کوتاه مدت روند رو به رشد اینها می تواند متوقف شود. در نتیجه از نظر سیاستهای حکومتی نیز شرایط - حداقل در درازمدت - برای تشکیل این تشکلهای فراهم خواهد بود.

بنابراین دیده می شود که آینده امیدوارکننده ای برای تشکل های غیردولتی زیست محیطی در کشور وجود دارد، به شرطی که خودشان هم با تدبیر و عاقلانه عمل کنند.

نتیجه گیری کلی

به عنوان نتیجه کلی باید گفت که در حال حاضر سازمانهای غیردولتی زیست محیطی در ایران جایگاه سیاسی و اجتماعی شایسته ای ندارند. این سازمانها در مجموع، تاکنون توان کمی برای دستیابی به مشارکت مردمی داشته اند. مهمترین شکل این سازمانها محدودیتهای قانونی، حقوقی و سیاسی است. برای ایجاد و فعال سازی سازمانهای غیردولتی زیست محیطی در کشور باید بستر مناسب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد شود. همچنین

همکاری دولت مشکل بحرانی روستای خود یعنی بیابانزایی و هجوم شنهای روان را از میان بردارد. همچنین گروه سبزماسال توانسته است روند پاکتراشی جنگلها را که توسط شرکت شفارود در منطقه آغاز شده بود متوقف کند و از بروز فاجعه هایی مانند سیل نکا و ماسوله و آزادشهر در منطقه خود جلوگیری کند. با کمی دقت ملاحظه می شود که هر دو مورد ذکر شده در سطح محلی کار کرده اند و مهمتر از آن این که هر دو در زمینه موضوعات مهمی فعالیت کرده اند که زندگی و هستی آنها را دچار مشکلات جدی می کرده است.

با در نظر گرفتن مشکلات متعددی که تشکلهای غیردولتی زیست محیطی ایران با آن مواجهند و با در نظر گرفتن نوپایی این تشکلهای باید گفت که اینها در مجموع عملکرد مثبتی داشته اند. اما با نگاه به مجموعه مشکلات زیست محیطی عنوان شده از سوی آنها و اقداماتی که برای رفع این مشکلات انجام داده اند و نیز با نگاهی به مجموعه مشکلات محیط زیست مملکت، می توان اینگونه قضاوت کرد که تأثیرگذاری آنها در اوضاع محیط زیست ایران زیاد نبوده است. این تشکلهای در سطح وسیع احتمالاً در "ایجاد آمادگی ذهنی برای تغییر رفتار" موفقیت نسبتاً خوبی داشته اند ولی در جلب مشارکت به صورت همکاری مستقیم و در زمینه های موردنظرشان موفق نبوده اند.

چشم انداز آینده تشکلهای غیردولتی زیست محیطی در ایران:

یافته ها نشان می دهد که اکثر تشکلهای تصمیم به گسترش و توسعه تشکلهای خود دارند و اکثر آنها علیرغم مشکلات زیاد قصد انحلال ندارند. بنابراین قصد این تشکلهای برای توسعه و رشد و ادامه حیات محرز است. لیکن وقوع این امر به دو عامل دیگر نیز بستگی دارد. یکی سیاستهایی که نظام حکومتی در آینده در پیش خواهد گرفت و دیگر، نحوه برخورد و عمل خود تشکلهای غیردولتی زیست محیطی است که چقدر عاقلانه و درست و با تدبیر عمل کنند.

در مورد سیاستهای آینده دولت و نظام چند حالت می تواند وجود داشته باشد:

- فرهادی، مرتضی. ۱۳۷۶. فرهنگ یادگیری در ایران (درآمدی به مردم شناسی و جامعه شناسی تعاون)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- گلپریان، رقیه. ۱۳۵۴. مشارکت، پایان نامه کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- مخدوم، مجید. ۱۳۷۸. شالوده آمایش سرزمین، (چاپ سوم با تجدیدنظر)، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۲۲۰۳. ۲۸۹ ص.
- معین، محمد. ۱۳۵۶ (۲۵۳۵). فرهنگ فارسی. جلد پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

سازمانهای غیردولتی زیست محیطی با استفاده از روشهای مناسب مدیریتی می توانند کارایی خود را بهبود بخشند.

یادداشتها:

- ۱) همچنانکه در قسمت روش تحقیق توضیح داده شد، تعداد ۳۷۴ پرسشنامه بین اعضای سازمانهای غیردولتی زیست محیطی توزیع شد. این پرسشنامه ها گاهی حضوری، گاهی از طریق مسئولان تشکلهای و گاه نیز از طریق پست برای اعضا ارسال شد. به منظور برگشتن پرسشنامه نیز پاکت پستی حاوی تمبر پستی و آدرس به اعضا داده شد. لیکن تنها ۵۳ پرسشنامه - کمتر از ۱۵ درصد - تکمیل و برگردانده شد و از آنجا که این تعداد از لحاظ آماری اعتبار ندارد، لذا به طور کلی از تحلیل پرسشنامه ها صرف نظر شده و این قسمت از تحقیق حذف گردید. لیکن از اطلاعات به دست آمده به صورت غیرآماری در تحلیل مطالب استفاده شد.
- ۲) انتخاب این سازمانها بر اساس اطلاعاتی بود که در ابتدای تحقیق از این سازمانها به دست آمده بود. در واقع در ابتدا چنین پنداشته می شد که این مجموعه شامل همه سازمانهای غیردولتی زیست محیطی می گردد و با بررسی آنها یک همایش انجام می شود. ولی در مراحل پایانی تحقیق تعداد دیگری به این مجموعه افزوده شد.
- ۳) البته تعاریف گوناگونی از هر یک از این اصطلاحات و واژه ها وجود دارد لیکن در اینجا تعریفهایی ارائه می شود که مورد نظر این تحقیق بوده و با بررسی تعریفهای قبلی به دست آمده است.
- ۴) برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به " ما چگونه ما شدیم" نوشته صادق زیباکلام (زیباکلام، ۱۳۷۷).
- ۵) حفاظت به معنایی که در ابتدای گزارش بیان شد.
- ۶) خود این تشکلهای بر حسب درجه مردمی بودن و درجه گستردگی و پیچیدگی ساختار به چند دسته تقسیم می شوند.
- ۷) در طول مراحل مختلف حیات تشکلهای غیردولتی، معمولاً در مراحل اولیه، دوره ای هست که تشکلهای از لحاظ فعالیتها و تعداد اعضا به طور تصاعدی رشد می کنند ولی متأسفانه در ایران این دوره از حیات تشکلهای اغلب با مشکلات مربوط به گرفتن مجوز و ثبت شدن همزمان می شود و در نتیجه تشکل دچار رکود می شود و نمی تواند از فرصتهای موجود استفاده کند.

منابع مورد استفاده

- بزرگزاد، حبیب الله. ۱۳۵۰. جشنها و اعیاد ملی و مذهبی در ایران قبل از اسلام، اصفهان، ناشر: نویسنده.
- پیران، پرویز. ۱۳۷۷. شوراها ماشین تخریب حکومت نیستند. روزنامه صبح امروز، شماره ۳۹ و ۱۰ بهمن.
- زیباکلام، صادق. ۱۳۷۷. ما چگونه ما شدیم (ریشه یابی علل عقب ماندگی در ایران)، تهران، انتشارات روزنه.